

صبح امروز

دوشنبه
۱۴
۷
۱۴۰۳

گروسی:

ابتدال، هزینه‌های میلیاردی
وسکوت مخاطبان

۵

ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست

۲

گزارش

مردم یاد دلار واقعی زندگی می‌کنند نه با توجیحات فرزین؛

ریال در تله‌بی‌کفایتی آقای
رئیس کل

در هر نظام اقتصادی، رئیس بانک مرکزی مهم‌ترین چهره سیاست‌گذاری پولی است. اگر تورم مهار نشود و ارزش پول سقوط کند، او اولین کسی است که باید پاسخگو باشد. فرزین، اما تا امروز، نه گزارشی شفاف از عملکردش ارائه داده، نه توضیحی درباره آینده. او ترجیح داده همه تقصیرها را به گردن تحریم، رسانه و «دشمن» بیندازد.



یادداشت

تاثیر مکانیزم ماشه بر جامعه



از منظر جامعه‌شناسی کارکردگرایی، جامعه‌همانند یک ارگانیسم زنده تلقی می‌شود که اجزای آن در تعامل با یکدیگر وظایفی را بر عهده دارند تا کل سیستم در تعادل باقی بماند.

در این چارچوب، هر نهاد اجتماعی زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند نقشی مشخص در حفظ نظم، انسجام و بقا ایفا کند. یکی از مهم‌ترین این نهادها، نظام اقتصادی است که وظیفه تأمین نیازهای مادی و ایجاد بستر لازم برای زندگی اجتماعی را بر عهده دارد. زمانی که کارکرد این نهاد به هر دلیل مختل شود، دیگر نهادها نیز دچار بحران می‌شوند و در نتیجه ثبات کل جامعه به خطر می‌افتد.



سلامت الکترونیک چرا ناگام ماند؟

پزشک خانواده،

وعده بر زمین مانده وزارت بهداشت



جناب آقای دکتر حسین سالار

انتخاب شایسته جنابعالی که نشان از درایت، لیاقت و توانمندی شما دارد را صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده و رجای واثق داریم تعهد و کارآمدی‌های برجسته جنابعالی نوید بخش دستیابی هر چه پیشتر، به قله‌های رفیع پیشرفت و توسعه زیر سایه امام رئوف حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) خواهد بود.

از طرف صانعی . رفیعی. نازپرور. عندلیب تولایی



واینک ماموریت جدید ترکیه



احمد کاظمی

اما اکنون، سیاست عملی معاصر ترکیه، سنتزی از این سه طرز سیاست است که البته از محتوای اسلام‌گرایی آن کاسته و بر ظواهر تبلیغاتی‌اش افزوده شده است. پیگیری این سیاست ترکیبی از سوی حزب عدالت و توسعه به شکلی بوده است که نه تنها با اهداف جبهه آنگلوآسکسونی به رهبری آمریکا، انگلستان و رژیم صهیونیستی مغایرت نداشته باشد، بلکه هم‌سو با طرح‌های کلان آنها باشد. از این رو نیز جهان اسلام رفتارهایی را شاهد است که نشان می‌دهند میان حرف و عمل مقامات ترکیه، فاصله است؛ از یک سو مقامات ترکیه با تشبیه نتانیاهو به هیتلر و ذکر مصیبت و دعا در خصوص نسل‌کشی فلسطینیان در غزه، خود را مدافع آرمان فلسطین بازنمایی می‌کنند اما در عمل حاضر نیستند غیر از شعار و نمایش، اقدامی برای ضربه زدن به رژیم صهیونیستی انجام دهند؛ بلکه بالعکس، مهمترین نقش را در تأمین انرژی مورد نیاز رژیم صهیونیستی از طریق خط لوله باکو - تفلیس - جیحان؛ ایجاد فرصت‌های ترانزیتی و ارتباطی برای رژیم صهیونی در مقابل اقدامات یمن و محور مقاومت، ارسال اوراق، فولاد، سوخت، آب و سرباز مزدور به اسرائیل دارند، و با کارکردهای اینجریلیک و کوره‌جیک و دیگر پایگاه‌های آمریکا و ناتو در استانبول، از میر، قونیه، آنکارا، مرسین، قهرمان‌مرعش، مالاتیا، دیاربکر و

باتمان برای حمایت از تجاوزات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی همراهی می‌کنند؛ نتیجه این روند آن است که هم‌زمان با تکرار وامصیبتاه درباره فلسطین از سوی مقامات چنان‌کایا، به اذعان برخی از نمایندگان مجلس ملی ترکیه، تجارت آنکارا با تل‌آویو در دوره دو ساله نسل‌کشی مردم فلسطین، به طور محسوسه افزایش یافته و یهودیان دارای تابعیت ترکیه که در ارتش اسرائیل دست‌شان به خون فلسطینیان آلوده است، آزادانه به این کشور رفت‌وآمد می‌کنند.

همچنین به همین دلیل است که آنکارا که بسیاری از سطوح دولت تحت‌الحمایه الهام علی‌اف در جمهوری آذربایجان را اداره می‌کند، در مقابل دهن کچی هیات باکوئی در سازمان ملل به وجدان بشریت و ماندن در سالن سازمان ملل تا پایان صحبت‌های نتانیاهو، سکوت می‌کند و واکنش‌ها به باکو، به موضع‌گیری برخی رسانه‌ها محدود می‌شود؛ یا اینکه اردوغان که معمولاً هر روز هفته به یاد کودکان غزه صحبت می‌کند، در دیدار با رئیس‌جمهوری آمریکا و علی‌رغم دو بار صحبت ترامپ درباره اجساد ۳۸ گروگان اسرائیلی، حاضر نمی‌شود به ۶۶ هزار شهید فلسطینی اشاره کند.

واقعیت این است که ترکیه علی‌رغم همه ادعاها در خصوص پیگیری سیاست‌های مستقل، همچنان به عنوان نماینده ناتو در منطقه ایفای نقش می‌کند.

به رویکردهای عثمانی و پان‌ترکیستی و مدل اسلامی ترکیه نیز باید از همین منظر نگاه کرد؛ نه تنها هیچ رفتاری از سوی آنکارا علیه ناتو به‌ویژه انگلستان در سال‌های گذشته انجام نشده است؛ بلکه طرح‌های بزرگی از سوی ترکیه به نمایندگی از ناتو و جبهه آنگلوآسکسونی اجرا شده و در حال اجراء است.

در این راستا و در فرایند ایجاد نظم آنگلوآسکسونی در غرب آسیا، اولین ماموریت ترکیه، وارد کردن ضربات سنگین به محور مقاومت یا آنچه غرب هلال شیعی می‌نامید، بوده

است. اوج این اقدام، تقسیم کار پنهانی ترکیه و رژیم صهیونیستی برای فروپاشی نظام بشار اسد و آوردن اشخاصی به قدرت بود که تا دیروز در ردیف اول فهرست تروریست‌های غرب جای داشتند. فروپاشی سوریه اسد، با از بین بردن جبهه اتصال زمینی ایران به مرزهای اسرائیل، بزرگترین خدمت قرن به رژیم صهیونیستی است که اجرای آن بدون مشارکت ترکیه و نیروهای وابسته به آن ممکن نبود. به دلیل همین تقسیم کار پنهانی بود که آنکارا و دولت دست‌نشانده‌اش در سوریه (محمد جولانی) در مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی در سوئیدا و بخش‌هایی از جنوب سوریه تا نزدیک دمشق، که نقض توافق پشت پرده درباره سوریه بود، غیر از موضع‌گیری‌های نمایشی، هیچ اقدام عملی نکردند و اساساً جرات انجام آن را نداشتند؛ تا جایی که برخی محافل و مقامات اسرائیل امکان حمله رژیم صهیونیستی به ترکیه در صورت لزوم را مطرح کردند.

ترکیه همچنین در راستای ایفای نقش مقدم برای ناتو و جبهه آنگلوآسکسونی به‌ویژه از زمان پروژه جنگ دوم قراغ، به دنبال ایجاد جهان به‌اصطلاح ترک در پوشش سازمان دولت‌های ترک، ناتوی ترکی و پیگیری ایده اجرای کریدور فراسرزمینی در جنوب ارمنستان (دالان تورانی ناتو) است؛ همراهی آنکارا با «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» (TRIPP) مؤید این موضوع است. به گواه دو سال تحولات پس از ۷ کتبر ۲۰۲۳، جهان تُرک ادعایی ترکیه که مهمترین مانع آن هویت آذربایجانی شیعی ایرانی است، مهمترین پشتیبان، عقبه لجستیکی و مسیر ترانزیتی برای رژیم صهیونیستی است؛ به دلیل آنکه اساس این طرح نه مبتنی بر ایده‌های بومی و مردمی در ترکیه، بلکه مبتنی بر طرح دویست ساله پان‌تورانسم انگلیسی است که مُبدعان آن تئورسین‌های یهودی مانند وامبری و لملی دیوید بوده‌اند.

سفر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه به آمریکا در ۳ مهر ۱۴۰۴ (۲۵ سپتامبر

۲۰۲۵) و کم‌وکیف دیدارها با دونالد ترامپ و مقامات آمریکا پس از شش سال نشان داد که جبهه آنگلوآسکسونی ماموریت‌های جدیدی برای آنکارا و به تعبیر ترامپ برای «مرد قوی و مورد احترام گسترده در ترکیه، اروپا و جهان» دارد. درخواست اصلی آمریکا از ترکیه، کاهش و نهایتاً قطع واردات گاز طبیعی از روسیه است تا بتواند تحریم‌های انرژی بر مسکو را مؤثر کند. پس از انفجار خط لوله‌های نورد استریم یک و دو، و توقف انتقال گاز از خط لوله روسیه به اوکراین از ابتدای سال ۲۰۲۵، خط لوله جریان ترکی (ترک استریم به طول ۱۰۹۰ کیلومتر از بستر دریای سیاه) مهمترین خط لوله انتقال گاز روسیه به بازارهای جهانی پس از جنگ اوکراین محسوب می‌شود. به‌ویژه که باکو در همراهی با دونالد ترامپ و هم‌زمان با امضای قرارداد انرژی با آکسون موبیل در سفر الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان به آمریکا در اوت ۲۰۲۵، انتقال پنهانی گاز «گازپروم» روسیه از خطوط لوله خود به ترکیه و اروپا را متوقف و حمایت‌های مالی و نظامی از دولت زلنسکی در اوکراین را علنی ساخت.

پیش از این ترکیه در ادامه طرح ناتویی اخراج کامل روسیه از قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قراغ (۲۰۲۰)، و با همراهی با فتنه انگلیسی کریدور جعلی زنگزور که عنوان معجول آن در توافقات ۱۸ اوت ۲۰۲۵ در کاخ سفید مدفون شد؛ قصد خود برای اخراج روسیه از معادلات انرژی و ترانزیتی را به نمایش گذاشته بود؛ اینک ماموریت جدید آنکارا، اخلال در روند انتقال گاز مسکو به بازارهای جهانی و تشدید محاصره روسیه در دریای سیاه در پوشش اجرای معاهده ۱۹۳۶ مونترسو در کانال‌های بین‌المللی داردانل و بسفر است؛ پاداش این اقدام آنکارا، نقش محوری ترکیه در انتقال گاز میدان لویتان رژیم اسرائیل به بازارهای جهانی از طریق ترکیه در دوره پس از جنگ غزه خواهد بود؛ به‌ویژه که پیش از این، متحد تحت‌الحمایه‌اش (باکو) در آن

حوزه گازی و دیگر میادین انرژی رژیم صهیونی سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده و ۱۰ درصد از سهام میدان گازی تاملار را خریداری کرده است. شواهد و قرائین موید آن است که علی‌رغم برخی از اقدامات نمایشی ضداسرائیلی ترکیه در حوزه‌های رسانه‌ای، ورزشی و سیاسی؛ ترکیه «به‌شدت و به‌سرعت» در حال اجرای طرح‌های فتنه‌انگیز جبهه آنگلوآسکسونی در پهنه غرب آسیا و اوراسیاست؛ شاید به این دلیل نیز احمد داود اوغلو، تئورسین و وزیر امور خارجه اسبق ترکیه، متعاقب دیدار اردوغان با ترامپ، با اشاره به تلاش آمریکا برای ایجاد یک سیستم نوامپریالیستی، تأکید کرد «هن

عمیقاً نگران بشریت و جایگاه کشورم در این معادله جدید هستم. لحن تحقیرآمیز ترامپ نسبت به رهبران جهان، یادآور لحن هیتلر و موسولینی پیش از جنگ جهانی دوم است».

به‌نظر می‌رسد داود اوغلو بخش بزرگتری از نگرانی‌های محافل ترک را به زبان نیاورده و آن قرار داشتن ترکیه در طرح‌های غرب برای تجزیه خاورمیانه در راستای اجرای ایده «اسرائیل بزرگ» است. افرادی مانند تام باراک که به‌عنوان سفیر آمریکا در ترکیه و نماینده ویژه ترامپ در امور سوریه، در آنکارا نشسته و معتقد است که چیزی به اسم کشورهای مستقل خاورمیانه نبوده و آنها مجموعه‌ای از روستاها و قبایل هستند، به ترکیه و عثمانی نیز، نه به‌عنوان یک کشور تاریخی بلکه به‌عنوان مهاجمانی که فروپاشی قسطنطنیه و روم شرقی در ۱۴۵۳ م را باعث شد، نگاه می‌کنند. از این رو نقش جاده صاف کنی آنکارا برای جبهه آنگلوآسکسونی، اجرای طرح‌های خصومت‌آمیز غرب علیه ترکیه را مانع نخواهد شد؛ بلکه آنها را تسریع خواهد کرد، بنابراین این رویکرد آنکارا، مصداق این سخن نغز سعدی است که می‌فرماید:

«ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی

کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است»

با تاکتیک‌های مختلف سعی دارند روند شکل گرفته به نفع تل‌آویو را متوقف یا متعادل کنند

نقش کشورهای دیگر و جنگ روایت‌ها

در کنار بازیگران اصلی، کشورهایمانند ایران، ترکیه، مصر، آمریکا، چین و روسیه هم هستند که هر کدام بر اساس منافع‌شان رویکرد متفاوتی نسبت به این طرح‌ها دارند. همچنین امروزه نقش رسانه‌ها و افکار عمومی داخل و خارج منطقه اهمیت زیادی پیدا کرده است. جنگ روایت‌ها و تبلیغات رسانه‌ای می‌تواند بر تصمیم دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تأثیر بگذارد و حتی سیاست‌های مطرح شده را به چالش بکشد.

راه‌حل‌ها و آینده ممکن

اگر این وضعیت همچنان ادامه داشته باشد و راه‌حلی برای هم‌کاری و گفت‌وگو میان کشورهای منطقه پیدا نشود، بحران‌های جدیدی در خاورمیانه ایجاد خواهد شد. تنها با مذاکره منطقه‌ای، احترام به حق حاکمیت ملی کشورها، هماهنگی بین مخالفان این پروژه‌ها و تلاش رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری می‌توان تا حدی مشکلات را کاهش داد و امیدوار بود که به‌سبب بهتری برای آینده‌ای با ثبات‌تر فراهم شود.

نزاریم، فی‌الدلفیا و داوود

مهندسی جدید منطقه با سه کریدور صهیونیست‌ها

محور مقاومت است و سعی دارد توازن قدرت در کل منطقه شامات و حتی عراق را تغییر دهد. کریدور داوود فقط نظامی نیست؛ اهداف اقتصادی مثل وصل شدن به راه‌های انرژی و تجارت جهانی را هم دنبال می‌کند و کاملاً در راستای سیاست‌های هم‌پیمانان غربی اسرائیل تعریف شده است.

در این طرح، نقش گروه‌هایی مانند کردها و دروزی‌ها خیلی پررنگ است. حمایت اسرائیل از این گروه‌ها باعث شده اختلافات قومی در سوریه و عراق تشدید شود و از همبستگی ملی این کشورها کاسته شود، موضوعی که به نفع اسرائیل و متحدانش است. در مقابل، دولت‌های سوریه و عراق با حمایت منطقه‌ای و جهانی سعی در بازپس‌گیری سرزمین و مهار این اختلافات دارند.

ارتباط این سه پروژه؛ نظم جدید یا بحران

بیشتر...

در ظاهر این سه کریدور جدا از هم هستند

و امید مردم اثر منفی گذاشته است.

فی‌الدلفیا؛ محاصره شدیدتر و آسیب به منطقه کریدور فی‌الدلفیا در مرز غزه و مصر قرار دارد و نقطه مهمی برای تعاملات و زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای است. این منطقه آخرین راه ارتباط زمینی مردم غزه با دنیای بیرون بود. اما با افزایش حضور نظامی اسرائیل، این راه هم تقریباً بسته شد و محاصره انسانی و اقتصادی غزه به شدت افزایش پیدا کرد. در کنار بحران انسانی، این وضعیت باعث انتقادهای زیاد از دولت مصر، تضعیف توافقات‌های قدیمی صلح و بدتر شدن اوضاع امنیتی جنوب فلسطین شد. حالا فی‌الدلفیا نه فقط یک راه عبور، بلکه ابزاری برای مذاکرات و کشمکش‌های سیاسی هم محسوب می‌شود.

داوود؛ پروژه‌ای پیچیده و چندبعدی اسرائیل کریدور داوود از جولان تا شمال شرق سوریه و کردستان عراق امتداد پیدا می‌کند. هدف این طرح ایجاد یک منطقه حائل و نفوذ در مقابل

فاطمه خادم شیرازی

در سال‌های اخیر، سیاست‌های اسرائیل در منطقه غرب آسیا دچار تغییرات زیادی شده‌اند که بیشترشان در قالب سه طرح راهبردی به‌نام‌های «کریدور نزاریم»، «کریدور فی‌الدلفیا» و «کریدور داوود» دیده می‌شوند. این طرح‌ها فقط راه عبور و مرور نیستند، بلکه بخشی از یک نقشه بزرگ‌تر و پیچیده هستند. هدف آن‌ها فراتر از دستاوردهای کوتاه‌مدت و نظامی است و سعی می‌کنند چند زمینه مختلف مثل مسائل اجتماعی، اقتصادی و امنیتی منطقه را هم‌زمان تحت تأثیر قرار دهند.

نزاریم؛ ابزار تغییر جغرافیا و مردم کریدور نزاریم باعث ایجاد فاصله جغرافیایی بین شمال و جنوب غزه شده است. این کار قدرت کنترل اسرائیل بر غزه را بیشتر کرده اما در عوض، رفت‌وآمد مردم را سخت‌تر ساخته و حتی شکل جمعیت و هویت غزه دچار تغییر شده است. این محدودیت‌ها فشار روانی و مشکلات معیشتی زیادی برای مردم غزه ایجاد کرده و آن‌ها را تقریباً از باقی مناطق جدا کرده است. محاصره و بسته بودن راه‌های ورود و خروج باعث شده غزه بیشتر شبیه یک جزیره تنها باشد؛ چیزی که مستقیماً بر آرامش، امنیت

آگهی مزایده ۶-۳۷-۱۴۰۴

- موضوع مزایده: جمع آوری و انتقال مکانیزه زباله های اداره کل راه آهن خراسان
- مهلت خرید: تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹.
- مهلت ارسال: تا ساعت ۱۳ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ - درسامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir. و فیزیکی: دبیرخانه اداره کل راه آهن خراسان.



شناسه آگهی ۲۰۱۶۷۴۱

اداره کل راه آهن خراسان

اداره کل راه آهن خراسان در نظر دارد موضوع ذیل را از طریق برگزاری مزایده به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید .
پیمانکاران واجد شرایط جهت شرکت در مزایده می بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مزایده از فراخوان تا انعقاد قرارداد از طریق سایت مزبور انجام می گردد.

ریال در تله بی کفایتی آقای رئیس کل

مردم بادار واقعی زندگی می کنند نه با توجیهات فرزین؛



رانت شده است.

۲) توضیحات رسانه‌ای به جای برنامه عملی رئیس بانک مرکزی بارها تلاش کرده نوسانات را «عملیات روانی دشمن» یا «ترخ‌های تلگرامی» نشان دهد و همزمان از نرخ میانگین ۹۲ هزار تومان در بازار دوم سخن گفته که به باور او «ترخ واقعی» است؛ این ادعا اما با واقعیت بازار آزاد که بارها جهش کرده است همخوانی ندارد. چنین استدلال‌هایی که به جای ارائه برنامه واقعی و ملموس برای بازگرداندن ثبات استناد به روایت‌های رسانه‌ای می‌کنند، اعتماد عمومی را بیشتر تضعیف می‌کنند.

نمره عملکرد فرزین؛ از وعده‌های محقق‌نشده تا تورم فرابنده

در کمتر از دو سال مدیریت محمدرضا فرزین، تورم نقطه‌ای بار دیگر از ۵۰ درصد عبور کرده و ارزش ریال حدود سه‌برابر کاهش یافته است. در همین مدت، تراز تجاری غیرنفتی منفی شده، رشد نقدینگی از ۴۰ درصد هم فراتر رفته و بازار مسکن، خودرو و طلا همگی رکوردهای تازه زده‌اند.

یکی از اساتید اقتصاد می‌گوید: «اگر وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول است، آقای فرزین دقیقاً برعکس عمل کرده است. او نه ابزار علمی استفاده کرده، نه سیاست ارتباطی مؤثر داشته است. نتیجه این شده که اعتماد عمومی به سیاست‌گذار پولی از بین رفته است.»

مردم، بازندگان اصلی

حقیقت این است که اکنون یک پرسش جدی در میان است که بانک مرکزی اساساً به کدام بخش از مسئولیت خود به درستی پرداخته است؟ اصلاً چرا باید کار به جایی برسد که کارشناسان بگویند اگر بانک مرکزی هم نداشتیم که وضعمان همین بود و سوال بخشی از شهروندان این است که یعنی بدون بانک مرکزی مثلاً قرار بود قیمت دلار چقدر دیگر رشد کند؟ یا تورم چقدر افزایش یابد؟ چنان که در جایی حوالی میدان ولیعصر، پیرمردی که دارای‌اش را به سپرده بانکی سپرده، با تلخی می‌گوید: «پولم هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. بانک مرکزی وعده داد نرخ سود بالا می‌رود، اما تورم از سود جلو زد. عملاً پول ما را غارت کردند.»

زن دیگری که صاحب یک مغازه کوچک پوشاک است، می‌گوید: «دلار بالا می‌رود، جنس گران می‌شود، مردم نمی‌خرند. ما مانده‌ایم با اجناس روی دست‌مان. انگار هیچ‌کس نمی‌فهمد که این تصمیم‌ها زندگی واقعی ما را نابود می‌کند.»

فرزین و آزمون پاسخگویی

مساله این است که در هر نظام اقتصادی، رئیس بانک مرکزی مهم‌ترین چهره سیاست‌گذاری پولی است. اگر تورم مهار نشود و ارزش پول سقوط کند، او اولین کسی است که باید پاسخگو باشد.

فرزین، اما تا امروز، نه گزارشی شفاف از عملکردش ارائه داده، نه توضیحی درباره آینده. او ترجیح داده همه تقصیرها را به گردن تحریم، رسانه و «دشمن» ببنداند. اما این روزها، دشمن اصلی مردم نه آن‌سوی مرز، بلکه سوءمدیریتی است که در داخل ریشه دوانده است. شاید با این وصف عجیب نیست که احمد خاتجان، اقتصاددان نیز می‌گوید که «بی‌کفایتی در بانک مرکزی یعنی خیانت به ملت. چون هر درصد سقوط ریال، یعنی هزاران خانواده فقیرتر. اگر فرزین نمی‌تواند از ارزش پول مردم دفاع کند، باید صادقانه کنار برود»؛ و حال باید پرسید دلار باید چقدر شود و تورم چقدر دیگر رشد کند تا محمدرضا فرزین خود استعفا بدهد؟

زمینه پاسخگو نیست. سیدعلی مدنی زاده در همین راستا تاکید کرده که تنها یک رای در هیات عالی بانک مرکزی دارد و تصمیم‌گیری‌های اصلی در حوزه پولی و ارزی بر عهده این نهاد است. این موضع‌گیری در شرایطی صورت می‌گیرد که نرخ تورم و ارز در ماه‌های اخیر رکوردهای تازه‌ای را ثبت کرده‌اند.

گویا مدنی زاده تصمیم گرفته که این بار برخلاف روش همتی که در نهایت قربانی افزایش قیمت ارز شد و با استیضاح وزارت را از دست داد، به صراحت بگوید که او تا زمانی سیاست‌گذار و مجری فرزین است، نمی‌تواند هیچ اقدام موثری بکند و مجلس نیز به جای این که به سراغ وزیر اقتصاد برود، باید سراغ از رئیس بانک مرکزی بگیرد.

پاسخ‌های ثابت و همیشگی فرزین؛

«دشمن» و «تلگرام»

اما در برابر موج انتقادات، رئیس بانک مرکزی همچنان و باز هم از همان واژه‌های آشنا استفاده کرده است: «جنگ روانی دشمن» و «ترخ‌های تلگرامی».

او مدعی شده است که نرخ واقعی دلار در بازار دوم حدود ۹۲ هزار تومان است و افزایش قیمت‌ها ناشی از «شایعه‌سازی فضای مجازی» است.

اما کارشناسان می‌گویند واقعیت بازار را نمی‌توان با انکار عوض کرد. یکی از فعالان اقتصادی می‌گوید: «وقتی مردم هر روز می‌بینند که قیمت دلار، طلا، خودرو و مسکن بالا می‌رود، دیگر این حرف‌ها کارساز نیست. مشکل دشمن یا تلگرام نیست؛ مشکل، سوءمدیریت است.»

مساله این است که وقتی رئیس کل بانک مرکزی بارها نوسانات را به «جنگ روانی دشمن» نسبت می‌دهد، این پیام را منتقل می‌کند که سیاست‌گذار یا برنامه‌ای روشن ندارد یا از پذیرش مسئولیت طفره می‌رود. در شرایطی که مردم روزانه اثرات افت ریال را لمس می‌کنند، چنین روایت‌هایی نه تنها قانع‌کننده نیست، بلکه به تشدید شکاف میان دولت و جامعه دامن می‌زند.

«تالار دوم» و ارزیابی؛ مسکن‌های بی‌اثر از سوی دیگر بانک مرکزی برای مهار بحران ارزی، سیاست‌هایی مانند گسترش «تالار دوم مرکز مبادله» و افزایش عرضه اسکناس به واردکنندگان را در پیش گرفته است. اما تجربه نشان داده که این اقدامات فقط چند روز بازار را آرام می‌کند و بعد از آن نوسانات با شدت بیشتری برمی‌گردد.

اکنون بانک مرکزی به‌جای اصلاح ساختاری، اقداماتی مانند گسترش «تالار دوم مرکز مبادله»، افزایش مقطعی عرضه ارز و عرضه اسکناس برای واردکنندگان به‌عنوان «تسخه نجات» را مطرح کرده است.

این اقدامات ممکن است در کوتاه‌مدت اندکی نوسان را مهار کنند، اما بدون رفع ریشه‌های چندرخی‌سازی و شفافیت در تخصیص‌ها، تأثیر پایدار ندارند. بانک مرکزی تحت مدیریت فرزین این ابزارها را به جای «اصلاح نظام» به‌عنوان راهبرد اصلی به کار برد؛ رویکردی که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان، همراه با توزیع رانت و اتلاف ذخایر ارزی بوده است.

خطوط شکستی که در دوره فرزین آشکار شد

۱) چندرخی‌سازی ساختاری - رانت رسمی‌سازی شده اما یکی از برجسته‌ترین نتایج سیاست‌های کنونی، نظام چندرخی است: دلار ترجیحی (برای برخی واردات)، دلار توافقی بازار اول؛ نرخ‌های تالار دوم (که قرار بود به همگرایی کمک کند) و در نهایت دلار آزاد بازار غیررسمی که سقف قیمت‌ها را تعیین می‌کند. این ساختار عملاً به توزیع سود افسارگسیخته میان گروه‌های مشخص و ایجاد رانت منجر شده است. واردکنندگانی که با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی کالایی وارد می‌کنند، در بازار آزاد با دلار ۱۱۰-۱۲۰ هزار تومانی می‌فروشند؛ تفاوت قیمت تبدیل به سودی است که نه به تولید ملی می‌رود و نه به جیب عامه مردم. این سیاست، نه کاهش‌دهنده تورم که تسهیل‌کننده استخراج

چنان که یک اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه می‌گوید نیز اخیراً گفته بود که «بانک مرکزی باید ناظر باشد نه توزیع‌کننده رانت. وظیفه‌اش سیاست‌گذاری پولی و کنترل نقدینگی است، نه صدور بخشنامه برای خوش خدمتی به واردکنندگان. متأسفانه در دوره آقای فرزین این مرزها از بین رفته است.» او تأکید می‌کند که در هیچ دوره‌ای نقش بانک مرکزی تا این حد تضعیف نشده بود. «امروز نه استقلالی وجود دارد، نه برنامه‌ای و نه پاسخگویی. رئیس کل فقط سخنگوی توجیه است.»

از وعده ثبات تا واقعیت فروپاشی اعتماد

فرزین در ماه‌های گذشته بارها وعده داد «بازار دوم ارز» باعث ثبات می‌شود و نرخ دلار تا پایان سال «تکرخی» خواهد شد؛ اما نتیجه دقیقاً برعکس شد. دلار در بازار دوم حدود ۹۲ هزار تومان اعلام می‌شود، در حالی که در بازار آزاد ۱۱۵ تا ۱۲۰ هزار تومان معامله می‌شود. فاصله‌ای که عملاً کل سیاست تک‌رخی شدن را بی‌اعتبار کرده است.

جالب این جاست که فرزین در ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ گفته بود «باید حواس مان به ریال باشد، اگر ریال آسیب ببیند کل نظام مالی مان آسیب خواهد دید. باید ریال را جایگزین ارزهای دیگر در روابط با کشورهای همسایه کنیم؛ چون چین و روسیه نیز از این تجربه استفاده کرده‌اند. در بانک مرکزی مرزبان ریال هستیم کاری به دلار نداریم دلار که پول ما نیست و باید ریال را تقویت، حکمرانی و حمایت کنیم. معضل ما ریال است دلار نیست باید روی ریال متمرکز شویم. دلار حکمران دیگری دارد.»

او این سخنان را در حالی مطرح کرده که حالا و در مهرماه سال ۱۴۰۴، ریال ایران تبدیل به بی‌ارزش‌ترین ارز جهان شده و به نظر می‌رسد که فرزین هنوز دقیق نمی‌داند که مدیریت او چه آسیب‌هایی جدی به شهروندان ایرانی زده است. فرزین مدام می‌گوید نرخ‌های دلار، تلگرامی است و واقعی نیست در حالی که مردم مجبور هستند با همین نرخ دلاری که فرزین می‌گوید آن را قبول ندارد، زندگی کرده و کالا تهیه کنند و انکار مداوم فرزین نیز کمکی به وضعیت مردم نمی‌کند. اما این تنها مشکل در مدیریت عجیب بانک مرکزی نبوده است، در کنار این، انتشار بخشنامه‌های متعدد، محدودیت تراکنش‌ها و تغییر ناگهانی مقررات رمزرها و طلا نیز بازارها را بیشتر به هم ریخته است. خردآماده، بانک مرکزی دستور مسدود شدن درگاه‌های پرداخت پلتفرم‌های آنلاین طلا و رمزارز را صادر کرد. نتیجه این بود که میلیون‌ها کاربر به صرافی‌های ناشناس خارجی کوچ کردند. یکی از فعالان بازار رمزارز می‌گوید که «با این تصمیم، بانک مرکزی نه‌تنها بازار را کنترل نکرد، بلکه مردم را به دام کلاهبرداران خارجی انداخت.»

اختلاف در آس اقتصاد؛ پلتاکیلی در بازار

بحران ارزی اخیر شکاف‌های نهادی را برجسته کرده است. گزارش‌ها از مباحثه‌ای پر حاشیه میان وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی حکایت دارند؛ اختلافاتی که نه تنها نشان از تفاوت نظریات دارد، بلکه عملیاتی شدن سیاستی واحد را نیز تضعیف می‌کند. وزیر اقتصاد خواستار آزادسازی بیشتر نرخ ارز است؛ فرزین، اما با آزادسازی کامل مخالف است و خطر جهش تورم را گوشزد می‌کند. نتیجه این دودستگی، افزایش عدم‌قطعیت و بی‌اعتمادی بازار بود.

یک منبع نزدیک به شورای هماهنگی اقتصادی می‌گوید «این اختلافات مستقیماً به بازار منتقل می‌شود. وقتی دو مقام ارشد اقتصادی حرف‌های متناقض می‌زنند، بازار ترجیح می‌دهد به حرف هیچ‌کدام گوش نکند.» اما به نظر می‌رسد که اکنون دامنه اختلافات دیگر خیلی بالا گرفته است. آن چنان که وزیر اقتصاد اخیراً صراحتاً اعلام کرده که سیاست‌های ارزی و تورمی به‌طور کامل در حوزه اختیارات بانک مرکزی قرار دارد و وزارت اقتصاد در این

مقررات‌گذاری و نظارت بر بازار پول؛ جهت‌دهی به نظام بانکی و تسهیلات مالی نکته این جاست که در قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز، بر اختیاراتی تأکید شده که بانک مرکزی باید در زمینه پولی و ارزی و ثبات مالی تصمیم بگیرد.

نارنجی و چالش‌های ساختاری بانک مرکزی مساله این است که در ایران، بانک مرکزی از دهه‌ها پیش با چالش‌هایی مثل کسری بودجه دولت، وابستگی مالی دولت به بانک مرکزی، ناترازی بانکی و تورم مزمن مواجه بوده و همواره فشار سیاست‌گذار مالی (دولت) بر سیاست‌گذار پولی (بانک مرکزی) وجود داشته و استقلال نهادی بانک مرکزی تا حد زیادی محدود بوده است. از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ خورشیدی، تورم مزمن و رشد شدید نقدینگی، همراه با نوسانات شدید نرخ ارز، یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران بود. یکی از مفاهیم نظری کاربردی در این زمینه، پدیده عبور نرخ ارز (exchange-rate pass-through) است که نشان می‌دهد چگونه تغییرات نرخ ارز بر قیمت کالاها تأثیر می‌گذارد و تورم را به داخل اقتصاد منتقل می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در ایران این پدیده وجود دارد و تغییرات نرخ ارز اثر معناداری بر قیمت محصولات وارداتی و سپس کالاهای داخلی دارد. به صورت فشرده، دو وظیفه هسته‌ای بانک مرکزی در هر کشور مدرن عبارت هستند از: ۱) حفظ ارزش پول ملی برای جلوگیری از سقوط قدرت خرید و ثبات نسبی نرخ حقیقی پول؛

۲) مهار تورم برای هدف‌گذاری و به‌کارگیری ابزارهای پولی (نرخ بهره، عملیات بازار باز، کنترل نقدینگی) برای جلوگیری از جهش‌های قیمتی مزمن. در کنار این دو، بانک مرکزی باید بازارهای پولی و ارزی را شفاف کند، از ایجاد سازوکارهای رانت‌زا جلوگیری کند، ذخایر ارزی را مدیریت و در مواقع لازم مداخلات آگاهانه و زمان‌بندی‌شده انجام دهد، و پیش‌بینی‌پذیری سیاستی را برای بازیگران اقتصادی فراهم سازد. اگر نهاد متولی این مجموعه وظایف، خود باعث ایجاد ریسک نظام‌مند و بی‌اعتمادی شود، آنگاه مفهوم بانک مرکزی فرو می‌ریزد. در این بین باید توجه داشت که تقریباً کارنامه فرزین در هر دو وظیفه بانک مرکزی با شکست مطلق رو به رو شده است.

فرزین به رانت‌خواران خدمت می‌کند، نه به ملت

اما بازار ارز در آغاز پاییز و همزمان با اسنپ‌بک و اجرای تحریم‌های شورای امنیت برای ایران، بار دیگر به شدت ملتهب شد. افزایش ناگهانی نرخ دلار و صف‌های طولانی مقابل صرافی‌ها باعث شد سیل انتقادات علیه محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، بالا بگیرد. چنان که اخیراً احمد خاتجان، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ به‌شدت از عملکرد او انتقاد کرده و گفته که «سیاست‌های ارزی آقای فرزین خیانت به ملت است. او با چندرخی کردن ارز و توزیع رانت بین واردکنندگان خاص، عملاً تولید داخلی را نابود کرده و ذخایر ارزی کشور را به باد داده است. فرزین به‌جای حمایت از مردم، به طبقه رانت‌خوار و قاچاقچیان بزرگ خوش خدمتی کرده است.»

این اقتصاددان معتقد است سیاست ارز ترجیحی، که قرار بود به کنترل قیمت کالاهای اساسی کمک کند، به ابزاری برای رانت و فساد تبدیل شده و می‌گوید «وقتی واردکننده‌ای با دلار ۲۸ هزار تومانی کالا می‌آورد و در بازار آزاد با دلار ۱۱۰ هزار تومانی می‌فروشد، اسمش حمایت از معیشت مردم نیست؛ این یعنی انتقال ثروت از جیب فقرا به جیب رانت‌خواران.»

شرح وظایفی که فراموش شد

افزایش انتقادات به فرزین در حالی در ماه‌های اخیر شدت گرفته که بانک مرکزی طبق قانون موظف است از ارزش پول ملی صیانت کند، تورم را مهار و بازار ارز را متعادل سازد. اما در عمل، نه از مهار تورم خبری هست، نه از ثبات بازار ارز.

در هر نظام اقتصادی، رئیس بانک مرکزی مهم‌ترین چهره سیاست‌گذاری پولی است. اگر تورم مهار نشود و ارزش پول سقوط کند، او اولین کسی است که باید پاسخگو باشد. فرزین، اما تا امروز، نه گزارشی شفاف از عملکردش ارائه داده، نه توضیحی درباره آینده. او ترجیح داده همه تقصیرها را به گردن تحریم، رسانه و «دشمن» ببنداند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- حالا دیگر هر روزی که مردم از خواب بیدار می‌شوند، عددی تازه مقابل دلار می‌بینند. در اول مهر ۱۴۰۴ دلار حدود ۱۰۳ هزار تومان بود، اما اکنون در روز دوازدهم مهر از ۱۱۶ هزار تومان هم گذشته و اصلاً مشخص نیست که فردا و روزهای دیگر این رقم چقدر باشد. هر چند نیز گاهی رقم دلار عقب‌نشینی می‌کند، اما تجربه ماه‌های اخیر نشان داده هر بار بدون تردید در یک پیشروی غافلگیرکننده نه تنها از عددی که عقب‌نشینی کرده عبور می‌کند بلکه حتی از آن نیز پیش‌روی می‌رود و این تقریباً به یک وضعیت ثابت برای ایرانیان تبدیل شده است.

اما در کمتر از ۱۰ روز، ارزش پول ملی بیش از ۱۲ درصد دیگر آب رفته و سفره‌ها کوچک‌تر شده‌اند. خانواده‌ها از خرید لبنیات صرف‌نظر می‌کنند، بازنشستگان از پس کرایه تاکسی بر نمی‌آیند و جوان‌ها دیگر رؤیای خانه‌دار شدن را شوخی می‌دانند. تورم، دیگر فقط یک واژه اقتصادی نیست؛ زخم روزمره زندگی مردم است. بازار ارز در هفته نخست پاییز، بار دیگر ملتهب شد و نرخ دلار آزاد با جهشی ۱۳ هزار تومانی طی ۱۰ روز، از ۱۰۴ هزار تومان در پایان تابستان به ۱۱۷ هزار تومان در دهم مهر رسید؛ افزایشی معادل ۱۲.۵ درصد که موج تازه‌ای از انتظارات تورمی را در سایر بازارها نیز به راه انداخت. نگاهی به روند معاملات نشان می‌دهد، دلار سوم مهر با عبور از مرز ۱۰۸ هزار تومان وارد مسیر صعودی شد و تنها ظرف یک هفته، از ۱۱۲ هزار تومان در پنجم مهر به ۱۱۶ هزار تومان در نهم مهر و در نهایت ۱۱۷ هزار تومان در دهم مهر راه رسید. با شدت گرفتن فشار قیمتی، نگاه فعالان بازار متوجه بانک مرکزی و شخص رئیس کل شده است؛ سیاست‌گذاری که باید با سیاست‌ها و برنامه‌های خود مانع از تعمیق بحران ارزی و جهش تورمی شود.

با این حال، نخستین واکنش بانک مرکزی به جهش‌های روزانه دلار آزاد، تمرکز بر توسعه «تالار دوم» مرکز مبادله است؛ بازاری که نرخ آن به گفته فعالان بازار و تجار، بین ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تومان به ازای هر دلار در نوسان است و شباهت بیشتری به نرخ آزاد دارد.

در این میان، نگاه‌ها یک‌بار دیگر متوجه نهاد سیاست‌گذار پولی کشور است؛ بانک مرکزی به عنوان نهادی که باید «ارزش پول ملی» را حفظ می‌کرد، اما

حالا خود به‌نماد بی‌ثباتی تبدیل شده است. از سوی دیگر حالا در جدول رده‌بندی بی‌ارزش‌ترین ارزهای جهان نیز، ریال ایران با اختلاف بسیار در صدر قرار گرفته است.

نقش و وظایف بانک مرکزی چیست؟

بانک مرکزی در تمام کشورها یکی از کلیدی‌ترین نهادهای اقتصادی است و وظایف مهم و حساسی به عهده دارد، از جمله: حفظ ارزش پول ملی؛ کنترل عرضه پول و ایجاد ثبات در قدرت خرید پول محلی؛

کنترل تورم؛ ابزارهایی مانند نرخ بهره، عملیات بازار باز، ذخایر قانونی و سیاست‌های پولی برای تعدیل فشارهای تورمی؛ نظارت بانکی و حفظ ثبات نظام بانکی؛ تضمین سلامت بانک‌ها، پیشگیری از بحران‌های بانکی؛ مدیریت ذخایر ارزی و سیاست ارزی؛ تنظیم عرضه ارز، مداخلات ارزی، و مدیریت تراز پرداخت‌ها. بانکدار دولت: تامین مالی موقت دولت یا تعامل با بدهی‌های دولت (در کشورهایی که تفکیک انجام نشده باشد)

ابتدال، هزینه‌های میلیاردی و سکوت مخاطبان



همایون تاک‌نشان | روزنامه نگار

تلویزیون با محدودیت‌ها سریال‌هایی چون «پایتخت» و «نون‌خ» را موفق کرده، اما نمایش خانگی با وعده‌های جذاب وارد عرصه تولیدات تصویری ایران شد؛ بستری آزادتر و متنوع‌تر که می‌توانست خلأهای تلویزیون را جبران کند و با روایت‌هایی تازه و خلاقانه، مخاطب را پای پلتفرم‌ها نگه دارد. در این مسیر، برخی آثار موفق شده‌اند مخاطب را با داستان‌های نو، تولیدات باکیفیت و تجربه‌های متفاوت همراه کنند و نشان دهند که نمایش خانگی پتانسیل بالایی برای ارائه روایت‌های ماندگار دارد.

با این حال، تجربه چند سال اخیر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تولیدات، با وجود بودجه‌های میلیاردی و تبلیغات گسترده، نتوانسته‌اند جایگاه درخوری در ذهن و دل مخاطب پیدا کنند. ریتم کند، تکرار کلیشه‌ها، تمرکز بر شوک‌های مقطعی با طنز دم‌دستی، گاهی باعث شده کیفیت محتوا قربانی هیاهوی رسانه‌ای شود. از سوی دیگر، مخاطب امروز که برای دسترسی به این پلتفرم‌ها هزینه پرداخت می‌کند، انتظار دارد با آثار ارزشمند و قابل تامل روبه‌رو شود؛ توقعی که بعضاً برآورده نشده است.

با توجه به این دو جنبه، پرسش جدی این است که چگونه می‌توان تعادلی میان آزادی خلاقانه و احترام به مخاطب برقرار کرد؛ چگونه می‌توان هم از ظرفیت‌های نمایش خانگی برای روایت‌های نو بهره برد و هم از افتادن در دام تبلیغات پرزرق‌وبرق و محتواهای سطحی پرهیز کرد؟ به نظر می‌رسد رسیدن به این تعادل، کلید موفقیت واقعی این عرصه خواهد بود.

در عین حال البته این اعتراض هم وجود دارد که چرا کسی از مدیران و سازندگان نمایش خانگی نمی پرسد این همه هزینه، حاشیه و تبلیغ برای چه نتیجه‌ای صرف می‌شود؟

شفرونی؛ ابتدال به نام طنز

شروع پخش «شفرونی» از فیلم‌بو بار دیگر جنجال به پا کرد. برنامه‌ای که قرار بود سرگرم‌کننده و متفاوت باشد، خیلی زود به

ابتدال فرهنگی رسید. دیالوگ‌های سطحی نعیمه نظام‌دوست، رفتارهای معذب‌کننده با جواد خیابانی و شوخی‌های جنسیتی بی‌ربط، به‌جای طنز خلاقانه، تنها حیا و ارزش‌های فرهنگی را به سرخه گرفت.

مشکل اصلی «شفرونی» این است که به‌دنبال خندانندن به هر قیمتی است؛ حتی اگر این خنده بر پایه بی‌احترامی، تحقیر یا هنجارشکنی بنا شود. طنزی که بدون پژوهش، بدون شناسخت عمیق از سنت کمدی ایرانی و بدون ایده‌پردازی نو شکل بگیرد، به‌جای خلق لحظات شیرین، به سمت ابتدال می‌رود. بی‌توجهی به ریشه‌های غنی طنز در ادبیات و فرهنگ ایران، باعث شده این برنامه به‌جای نوآوری، تنها تقلیدی سطحی از شوخی‌های دم‌دستی و لحظه‌ای باشد.

از یاد رفته؛ دیالوگ‌های ناهنجار و درام کم‌شده

سریال «از یاد رفته» هم بارها به‌دلیل دیالوگ‌های بی‌پایه و الفاظ ناهنجار، به‌ویژه در شخصیت «نوشین» با بازی آریتا حاجیان یا دیالوگ‌های منجرکننده حمیدرضا آذرنگ، با اعتراض مخاطبان روبه‌رو شد. کش‌دار بودن روایت و ضعف شخصیت‌پردازی این آنتاگدا را جدی‌تر کرده است.

هرچند در یکی‌دو قسمت شاهد اتفاقات عجیب و نسبتاً منحصربه‌فرد بودیم، اما در کلیت سریال چیزی جز تکرار مکرر رخ نداد؛ ریتم کند، ناسازگاری فراوان، صحنه‌های عرق‌خوری و سیگار کشیدن بیش‌از‌حد، و بازی‌ها و روابطی خارج از عرف که بیشتر در شبکه نمایش خانگی به یک کلیشه تبدیل شده است. گویی سازندگان تصور می‌کنند درام تنها با این ابزارها معنا پیدا می‌کند و از روایت قصه‌ی واقعی غافل مانده‌اند.

برزو نیک‌نژاد و همکارانش تلاش کرده‌اند داستانی را پیش ببرند، اما این تلاش اغلب در دل انبوهی از ناهنجاری‌ها و حاشیه‌ها گم می‌شود. ترس اصلی اینجاست که مبدا همانند تجربه قبلی نیک‌نژاد در «هرداپ» — که به‌عنوان یک کار اجتماعی جدی شروع شد اما به پایانی نامیدکننده ختم شد — باز هم شاهد فروپاشی روایت باشیم؛ مثلاً در جایی که شخصیت اصلی همه‌چیز را با یک قتل عام با شوک سطحی به پایان ببرد.

امید می‌رود در قسمت‌های بعدی، به‌جای انباشتن صحنه‌های استعمال دخانیات و دیالوگ‌های پر از فحش و ناسزا در یکی‌دو قسمت آخر، شاهد گره‌گشایی و پیشرفت واقعی داستان باشیم؛ اتفاقی که اگر رخ ندهد، «از یاد رفته» بیش از پیش، به‌عنوان نماینده ابتدال نمایشی در ذهن مخاطبان باقی خواهد ماند.

محکوم؛ خشونت بی‌منطق

در «محکوم» حجم بالای خشونت غیرضروری نه‌تنها مخاطب را آزار می‌دهد بلکه به‌نظر می‌رسد عاقلانه برای شوکه کردن تماشاگر به کار گرفته شده است. صحنه‌های قتل، ضرب‌وشتم، شکنجه و رفتارهای افسارگسیخته‌ای که یکی پس از

دیگری در سریال تکرار می‌شوند، بیشتر از آنکه در خدمت روایت باشند، همچون ابزاری برای تحریک لفظ‌های هیجان‌مخاطب به کار می‌روند.

علی‌رغم برخی اتفاقات و موقعیت‌های داستانی که می‌توانستند به شکل طبیعی زمینه‌ساز درام شوند، افراط در نمایش این خشونت‌ها سبب شده قصه بارها از ریتم بیفتد و خط اصلی روایت زیر آوار صحنه‌های بی‌منطق و اغراق‌آمیز گم شود. همین مسئله باعث می‌شود شخصیت‌ها فرصت کافی برای پرداخت و عمق یافتن نداشته باشند؛ چون هر بار که قرار است درام شکل بگیرد، ناگهان یک اتفاق خشن یا صحنه‌ای شوک‌آور **همه‌چیز را به هم می‌ریزد.**

احساس غالب این است که سریال بیش از آنکه به فکر ساخت یک درام منسجم باشد، به دنبال ایجاد شوک و هیجان مقطعی است؛ هیجانی که نه‌تنها ماندگار نیست، بلکه به مرور به تکرار و دل‌زدگی منجر می‌شود. در نتیجه، «محکوم» به جای خلق تعلیق و درامی پرکشش، در چرخه‌ای از خشونت بی‌منطق گرفتار شده و این خطر جدی وجود دارد که اصل داستان در پس این افراط و اغراق‌ها کاملاً گم شود.

شغال؛ قصه‌های کند و بی‌حادثه

«شغال» با سرودهای فراوان شروع شد اما خیلی زود به دام ریتم کند و رخدادهای پراکنده افتاد. قسمت اول سریال با همان سکانس بحث‌برانگیز تجاوز به آوا شوک اولیه‌ای به مخاطب وارد کرد، اما پس از آن ماجراها عملاً بدون گرافکنی جدی و پیشرفت دراماتیک ادامه پیدا کرد. تنها در قسمت‌های اخیر یک سکانس آتش‌سوزی توانست برای چند دقیقه مخاطب را میخکوب کند، اما این نیز بیشتر به‌عنوان حادثه‌ای مقطعی عمل کرد تا محرکی برای روایت اصلی.

درام‌پردازی به‌رنگ توفیقی برخلاف انتظار، نتوانسته این موقعیت‌ها را به مسیری پرکشش هدایت کند. خط قصه بارها از حرکت باز می‌ایستد و به جای تعلیق و کشش، بیننده با سکون و تکرار مواجه می‌شود. از سوی دیگر، بازی‌ها نیز چیزی به جذابیت سریال اضافه نکرده‌اند؛ از مهدی سلطانی و کامبیز درباز گرفته تا دیگر بازیگران، شاهد نقش‌آفرینی‌هایی تکراری و بدون غافلگیری هستیم. بازیگر نقش آوا هم با اجرای مصنوعی و کم‌عمق، نه‌تنها نتوانسته همدلی مخاطب را برانگیزد، بلکه ضعف انتخاب بازیگر از سوی توفیقی را آشکار کرده است.

این در حالی است که کارگردان پیش‌تر با سریال «افرا» در تلویزیون نشان داده بود می‌تواند روایتی اجتماعی و پرتعلیق را با جذابیت بیشتری پیش ببرد. اما در «شغال» نه خبری از همان کشش داستانی هست و نه از پرداخت دقیق شخصیت‌ها؛ تنها صحنه‌های مقطعی و حادثه‌های زودگذر باقی مانده‌اند که در نهایت نمی‌توانند ضعف درام را پنهان کنند.

سووشون؛ تبلیغ به‌جای هنر

اقتباس پر سر و صدا «سووشون» به‌جای

آنکه یک تجربه هنری ماندگار باشد، بیشتر به یک حرکت تبلیغاتی شباهت پیدا کرد. ماجرا از همان پیش از پخش آغاز شد؛ جایی که نرگس آبیاری، تهیه‌کننده و برخی از عوامل با شعار «سانسور، سانسور» و فریادهایی از این جنس، تلاش کردند حاشیه‌های رسانه‌ای ایجاد کنند و توجه افکار عمومی را به سمت سریال جلب نمایند. حتی در زمان عرضه روی پلتفرم، به‌عمد برخی صحنه‌های عجیب و خارج از عرف باقی ماند تا همان قسمت نخست کار با فیلتر شدن نماوا و توقف موقت سریال گره بخورد و از این رهگذر موج تبلیغی تازه‌ای به راه بیفتد.

اما مشکل اصلی اینجاست که پس از تمام این جنجال‌ها، «سووشون» هیچ دستاوردی جدی برای مخاطب نداشت. نه قصه و روایت توانست به عمق رمان سیمین دانشور نزدیک شود، نه شخصیت‌پردازی و کارگردانی چیزی به یادماندنی خلق کردند. حالا پرسش جدی این است: اگر قرار باشد هر اقتباس ادبی صرفاً با پرچم «سانسور» به میدان بیاید اما در نهایت محتوای ضعیف و کم‌رقمی ارائه دهد، آیا این رویکرد جز بی‌اعتمادی کردن مخاطب نتیجه دیگری دارد؟

تجربه نشان داده است که اگر یک سریال یا فیلم اقتباسی حرفی برای گفتن داشته باشد، حتی اگر محدودیت و ممیزی هم بر آن اعمال شود، رسانه‌ها و افکار عمومی از آن حمایت خواهند کرد. نمونه‌های موفقی در سینما، تلویزیون و حتی نمایش خانگی بوده‌اند که اقتباسشان چنان قوی و اثرگذار بود که در مواردی حتی جای کتاب را برای نسل تازه پر کردند. اما در مورد «سووشون» نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه خطر دیگری نیز وجود دارد: مخاطب با تردید و وسواس بیشتری به سراغ دیگر آثار اقتباسی برود و حتی در انتخاب کتاب هم دچار تزلزل شود؛ مثلاً هنگام رویارویی با «امداد خمار» نرگس آبیاری، با نگرانی بیندیشد آیا این اثر نیز سرنوشت «سووشون» را پیدا نخواهد کرد؟

در چنین شرایطی شاید پیشنهاد درست‌تر این باشد که به‌جای دیدن سریالی ناکام و پرزرق‌وبرق، مستقیماً سراغ کتاب «سووشون» رفت؛ اثری که همچنان اصالت و ارزش خود را حفظ کرده است، بی‌نیاز از هیاهوی تبلیغاتی و جنجال‌های بی‌ثمر.

اجل معلق؛ رقص به‌جای روایت

«اجل معلق» قرار بود تجربه‌ای متفاوت در ژانر کمدی نمایش خانگی باشد، اما خیلی زود به اثری کم‌رقم و بی‌محتوا تبدیل شد. رضا عطاران که پس از سریال‌های تلویزیونی‌اش نتوانسته در عرصه سریال‌سازی نمایش خانگی موفق شود، این بار نیز نتوانست معادله را تغییر دهد. تجربه پیشین او در «دفترچه یادداشت» هم با وجود تبلیغات سنگین و توجه رسانه‌ای، چندان به دل مخاطب نشست و در نهایت فراموش شد. در سینما نیز عطاران بارها با تکرار کاراکترها، تیپ‌های آشنا و حتی میمیک‌های صورتش، به یک مسیر یکنواخت رسیده و این ضعف در «اجل معلق» هم ادامه پیدا کرده است.

جز چند سکانس کوتاه از عباس جمشیدی‌فر — از جمله رقص‌ها و دیالوگ‌هایی که صرفاً در فضای اینستاگرام و مجازی دست‌به‌دست شد — در کلیت اثر خبری از موقعیت طنز جدی یا دیالوگ‌های خلاقانه و ماندگار نیست. در واقع، تلاش شده با بازآفرینی نوعی فضای مشابه «روز فرشته» به‌روز افخمی و نقش‌آفرینی‌های فراموش‌نشده عزت‌الله انتظامی و اکبر عبدی، یک طنز متفاوت شکل بگیرد، اما نتیجه فاصله‌ای عمیق با آن آثار دارد؛ چرا که نه روایت و نه بازی‌ها توانسته‌اند به سطحی درخور دست‌مزد‌ها، بودجه سنگین و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای این پروژه برسند.

نمونه بارز این ضعف، صحنه‌های ابتدال آمیز و دیالوگ‌های زشت در داروخانه عباس جمشیدی‌فر بود که واکنش‌های فراوانی را به همراه داشت. این موقعیت‌ها، بیشتر جنبه‌اروتیک و سطحی داشتند تا خلق لحظات کمدی خلاقانه؛ و همین باعث شد اثر به‌جای آنکه در حافظه طنز تصویری ایران ماندگار شود، در زمره تجربه‌های ناموفق نمایش خانگی قرار بگیرد.

واقعیت این است که نمایش خانگی تاکنون نتوانسته یک کمدی ماندگار و اصیل بسازد. «اجل معلق» هم بیش از آنکه یک سریال با هویت مستقل باشد، به نمونه‌ای دیگر از کمدی‌های مصرفی و لحظه‌ای بدل شد که در نهایت چیزی جز خستگی و دل‌زدگی برای تماشاگر به همراه ندارد.

مقایسه با تلویزیون؛ هزینه‌های میلیاردی و نتیجه ناچیز

مروری بر نمونه‌های اخیر نمایش خانگی از «شفرونی» تا «اجل معلق»، نشان می‌دهد مشکل مشترک بسیاری از این آثار، غلبه فرم‌های سطحی بر محتوا، تبلیغات پر کیفیت و شوک‌آفرینی لحظه‌ای بر روایت است. ابتدال به نام طنز، دیالوگ‌های ناهنجار، خشونت افسارگسیخته، ریتم‌های کش‌دار، اقتباس‌های بی‌حاصل و کمدی‌های بی‌مزه، نتیجه مستقیم بی‌توجهی به مخاطب و بی‌اعتمادی به ریشه‌های غنی هنر و ادبیات ایرانی است.

در حالی که تلویزیون با بودجه‌های به مراتب کمتر، هنوز قادر است سریال‌هایی چون «نون‌خ» یا «پایتخت» را بسازد که خانواده‌ها را پای قاب جمع کند، نمایش خانگی با تمام ادعاهایش نتوانسته حتی یک اثر ماندگار خلق کند. این واقعیت تلخ نشان می‌دهد مسیر طی شده بیشتر از آنکه دستاوردی هنری داشته باشد، به بازاری پر هیاهو و کم‌ثمر شباهت پیدا کرده است.

اگر قرار است نمایش خانگی به حیات خود ادامه دهد و جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند، راهی جز بازگشت به اصول وجود ندارد: احترام به مخاطب، روایت‌های اصیل، پژوهش جدی در ژانرهای مختلف، پرهیز از تکرار و کلیشه، و تولید آثاری که به‌جای مصرف لحظه‌ای، در حافظه فرهنگی مردم ماندگار شوند. وگرنه آینده این بستر نه درخشان، که پر از بی‌اعتمادی و دل‌زدگی خواهد بود.

رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴. مالک: ۲۷۲۱

۱۱/۳ | اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک گناباد هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ۱- نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۸۵/۱۳۰۶۰۳۰۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی هادی نعمتی شهری فرزندمحمد باقر در ششدانگ باقر در ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۹/۷۲ متر

مربع از پلاک شماره ۱۹۸۵ فرعی از ۳- اصلی واقع در اراضی قصبه شهر بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده مع الواسطه از آقای علی نیازی شهری مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورت تکلیف اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و گواهی تقدیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴. مالک: ۵۵۴ سید ضیاء الدین مهدوی شهری - رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد

تاکید استانداران خراسان رضوی و میسان عراق بر گسترش روابط ۲ استان

حبیب ظاهر الفطوسی بیان کرد: استان میسان در جنوب عراق قرار دارد و با دو استان ایلام و خوزستان هم‌مرز است و روابط فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی محکمی به‌ویژه با استان ایلام داریم.

وی افزود: جمعیت استان میسان حدود یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است و فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی دارد.

استاندار میسان گفت: پس از تکمیل شهرک اقتصادی تیب که ۶۵ هزار هکتار مساحت دارد و شامل بخش‌های صنعتی، کشاورزی و گردشگری است، این منطقه مورد توجه ویژه نخست‌وزیر و هیات دولت عراق قرار گرفته است.

وی از همه شرکت‌های توانمند خراسان رضوی دعوت کرد در این استان سرمایه‌گذاری کنند و گفت: ما می‌ایم رابطه خواهرخواندگی با خراسان رضوی برقرار کنیم.

الفطوسی گفت: میسان دومین استان نفت‌خیز عراق پس از بصره است و روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کند و دارای اراضی وسیع کشاورزی است.

وی با اشاره به گردشگری سلامت اظهار کرد: بسیاری از شهروندان ما برای درمان به مشهد مراجعه می‌کنند و خود ظرفیتی برای همکاری‌هاست.

پیش از این دیدار، هیات عراقی در دو روز حضور خود در مشهد از برخی واحدهای تولیدی و صنعتی استان بازدید کرد و با برخی از ظرفیت‌های اقتصادی این خطه آشنا شد.



استاندار خراسان رضوی گفت: همچنین بیش از سه هزار و ۸۰۰ دانشجوی عراقی در دانشگاه‌های مشهد مشغول تحصیل هستند و آماده توسعه همکاری‌های دانشگاهی و علمی نیز هستیم.

تاکید استانداران خراسان رضوی و میسان عراق بر گسترش روابط ۲ استان است. استاندار میسان عراق هم در این دیدار اظهار کرد: معنقدیم جمهوری اسلامی ایران به نیابت از مسلمانان و آزادگان جهان، جنگ دوازده روزه را پیش برد.

بین کربلا و خراسان رضوی برقرار شده و آماده‌ایم این موضوع با استان میسان نیز عملیاتی شود.

مظفری اضافه کرد: صادرات ما به افغانستان، عراق و اقلیم کردستان قابل توجه است و آمادگی داریم این مراودات را با استان میسان گسترش دهیم. در بخش کشاورزی و نفت، شرکت‌های دانش‌بنیان توانمندی در استان فعال هستند و می‌توان از ظرفیت آن‌ها استفاده کرد.

برای ورود این استان و کشور عراق به افغانستان و آسیای میانه باشیم. وی بیان کرد: خراسان رضوی در مرز مشترک با ترکمنستان و افغانستان ۲ منطقه آزاد تجاری و صنعتی دارد که فرصتی مهم برای مراودات صنعتی و اقتصادی مشترک محسوب می‌شود. مظفری اضافه کرد: خراسان رضوی با شش هزار واحد صنعتی فعال و ۴۶ شهرک صنعتی برای همکاری آمادگی کامل دارد. استاندار خراسان رضوی گفت: با استان کربلا مراوداتی داشته‌ایم و خواهرخواندگی

تاکید استانداران خراسان رضوی و میسان عراق بر گسترش روابط ۲ استان استانداران خراسان رضوی و میسان عراق طی دیداری بر توسعه مناسبات اقتصادی، فرهنگی و گردشگری سلامت تأکید کردند. به گزارش صبح امروز و به نقل از ایرنا، استاندار خراسان رضوی روز یکشنبه در دیدار با استان میسان عراق در مشهد اظهار کرد: خراسان رضوی با بیش از هفت میلیون نفر حدود هشت درصد جمعیت ایران را در خود جای داده است.

غلامحسین مظفری با بیان اینکه سالانه بیش از ۳۰ میلیون زائر به این استان وارد می‌شوند، گفت: از میان شش میلیون زائر عراقی که هر ساله به ایران سفر می‌کنند، سه میلیون نفر به خراسان رضوی وارد می‌شوند.

وی افزود: خوشحالی‌م که بین ایران و عراق مراودات فرهنگی خوبی شکل گرفته است.

استاندار خراسان رضوی تصریح کرد: از دولت و ملت عراق ۲ تشکر ویژه دارم؛ نخست از مواضع آنان در جنگ دوازده روزه اخیر و دیگر به جهت پذیرایی گرم از زوار در ایام اربعین حسینی.

وی افزود: امروز در حوزه ارتباطات اقتصادی ظرفیت‌های چشمگیری بین خراسان رضوی و عراق وجود دارد و راهبرد دولت ما توسعه دیپلماسی اقتصادی با کشورهای هم‌جوار است.

مظفری خاطرنشان کرد: هر چند مرز مستقیم با استان میسان نداریم اما می‌توانیم با ایجاد مسیر مناسب، دروازه‌ای



وزارت نیرو

شرکت برق منطقه ای خراسان در نظر دارد « بهره برداری از آشپزخانه و سالن های غذاخوری خود » را از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقوقی حائز شرایط ذیل واگذار نماید . شرکت برق منطقه ای خراسان

« آگهی مزایده عمومی به شماره ی / ۱ / ۱۴۰۴ »

| شماره مزایده | شماره مزایده در سامانه ستاد | موضوع مزایده | مدت پیمان | (مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال | قیمت کارشناس رسمی دادگستری (ریال) |
|--------------|-----------------------------|---|-------------|--|-----------------------------------|
| ی / ۱ / ۱۴۰۴ | ۵۰۰۴۰۱۱۲۳۰۰۰۰۱ | بهره برداری از آشپزخانه و سالن های غذاخوری شرکت برق منطقه ای خراسان | ۳۶ ماه شمسی | ۵,۷۶۵,۸۰۰,۰۰۰ | ۱۱۵,۳۱۶,۰۰۰,۰۰۰ |

آدرس: مشهد - انتهای بلوار وکیل آباد - نرسیده به جاده شاندیز - سمت راست - به امور تدارکات و قراردادهای - تلفن ۳۶۱۰۳۶۲۷ - ۰۵۱ - دورنگار ۳۶۱۰۳۶۲۹ - تحویل نمایند.

* تاریخ و محل گشایش پاکات:

ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۸/۳ در محل امور تدارکات و قراردادهای.

* در صورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با شماره ۳۶۱۰۳۶۲۷-۰۵۱ (آقای علی طاهری) تماس حاصل فرمایند.

* به پیشنهادها و مستندات فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهای که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* مزایده‌گران موظف به ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی

می‌باشند. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج شده است.

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

* شرایط لازم جهت شرکت در مزایده:

- دارا بودن گواهی صلاحیت پیمانکاری عمومی (بخش امور آشپزخانه و رستوران) از اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی با حداقل رتبه ۶

* نحوه دریافت اسناد مزایده:

متقاضیان حائز شرایط فوق، می‌توانند پس از ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و واريز الکترونیکی مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نام شرکت برق منطقه ای خراسان، فایل اسناد مزایده بارگیری نمایند.

* تاریخ دریافت اسناد مزایده:

از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۷/۱۴ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز دو شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۷/۲۱.

* تاریخ بازگذاری اسناد مزایده و محل تحویل پاکت تضمین:

از پیشنهاد دهندگان تقاضا می‌گردد: ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۸:۰۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۸/۳ بازگذاری نمایند و اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار را با شرایط درج شده در اسناد مزایده تا ساعت ۸:۳۰ صبح روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۸/۳ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق منطقه ای خراسان به

<http://tender.tavanir.org.ir>

پایگاه اطلاع‌رسانی معاملات تانیر

<http://iets.mporg.ir>

پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات

www.setadiran.ir

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد»

www.krec.ir

پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات شرکت برق منطقه ای خراسان

شناسه آگهی ۲۰۱۴۹۹۱

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای خراسان

پزشک خانواده، وعده بر زمین مانده وزارت بهداشت



دو دهه است که اجرای طرح پزشک خانواده، بهانه کمبود برخی زیرساخت‌ها به تعویق افتاده؛ در حالی که بدون تکمیل پرونده الکترونیک سلامت، نظام ارجاع و شبکه‌های یکپارچه اطلاعاتی، تحقق این برنامه در سطح ملی همچنان در حد وعده باقی خواهد ماند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از تسنیم، بیش از دو دهه است که «برنامه پزشک خانواده» به عنوان یکی از مهم‌ترین طرح‌های متحول‌کننده نظام سلامت در ایران مطرح شده، اما همچنان در پیچ‌وخم وعده‌ها و کمبود منابع گرفتار مانده است. این برنامه که هدف اصلی آن ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی-درمانی، دسترسی عادلانه مردم به خدمات سلامت و کاهش هزینه‌های تحمیلی به خانواده‌هاست، نیازمند بستری گسترده از زیرساخت‌های فنی، انسانی و مالی است؛ زیرساخت‌هایی که بخش بزرگی از آن هنوز در حد طرح و برنامه باقی مانده است.

کارشناسان سلامت بارها تأکید کرده‌اند که اجرای فراگیر پزشک خانواده بدون شبکه‌ای منسجم از پرونده‌های الکترونیک سلامت، ارتباط یکپارچه میان مراکز بهداشتی و بیمارستانی، سامانه‌های ارجاع الکترونیک و همچنین آموزش و جذب نیروهای متخصص به‌ویژه پزشکان عمومی و مراقبین سلامت امکان‌پذیر نخواهد بود. در کنار این‌ها، کمبود اعتبارات پایدار و تخصیص ناکافی بودجه‌های سالانه همواره بزرگ‌ترین مانع بر سر راه عملیاتی شدن این برنامه عنوان شده است.

در دو دهه گذشته، دولت‌های مختلف با رویکردها و شعارهای متفاوت بر لزوم اجرای برنامه تأکید کرده‌اند و تقریباً همه وزرای بهداشت در دوره‌های خود وعده اجرای سراسری پزشک

خانواده را داده‌اند؛ وعده‌هایی که یا به شکل محدود و پایلوت در چند استان به اجرا درآمده و یا در مرحله برنامه‌ریزی باقی مانده است. نتیجه این تعلل، تداوم فشار مالی بر دوش مردم، سردرگمی در مسیر ارجاع بیماران و نارضایتی روزافزون جامعه پزشکی از نبود نظام منسجم در ارائه خدمات بوده است.

اکنون که بار دیگر بحث اجرای جدی این برنامه در سطح ملی مطرح می‌شود، نگاه‌ها متوجه این پرسش اساسی است که آیا زیرساخت‌های کلیدی موردنیاز، فراهم شده است یا باز هم تکرار چرخه وعده‌ها و توقف‌ها در انتظار نظام سلامت ایران خواهد بود.

در همین راستا به گفت‌وگو با دکتر ابراهیم نوری گوشکی، متخصص پزشکی خانواده‌پیداخیم. در بخش اول این گفت‌وگو به چالش‌های اجرای پزشکی خانواده در کشور پرداختیم که مشروح آن را در ۲ دهه آزمون و خطا برای اجرای پزشک خانواده/ حلقه‌های مفقوده اجرا در سراسر کشور می‌خوانید.

در بخش دوم این گفت‌وگو به زیرساخت‌های الکترونیکی موردنیاز برای اجرای این برنامه پرداختیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

آیا زیرساخت‌های الکترونیکی موردنیاز برای اجرای برنامه پزشکی خانواده توسط وزارت بهداشت فراهم و آماده‌سازی شده است؟

نوری گوشکی: سلامت دیجیتال در جهان امروز، نه تنها یک ابزار فناورانه بلکه ضرورتی راهبردی برای تحقق عدالت بهداشتی و درمان، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات سلامت است. در ایران، ماده ۶۹ قانون برنامه پنج ساله هفتم توسعه، با نگاهی دقیق و آینده‌نگر، مسیر تحول سلامت الکترونیک را ترسیم کرده است. این ماده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را مکلف کرده تا در بازه‌های زمانی مشخص، زیرساخت‌های فنی، حقوقی و اجرایی لازم را فراهم آورد. مطابق بند «الف-۱» ماده ۶۹، وزارت بهداشت موظف بود ظرف دو سال از لازم‌الاجرا شدن قانون، با آماده‌سازی مراکز امن داده و استقرار امضای الکترونیکی، کلیه سامانه‌های مرتبط با خدمات سلامت را به صورت یکپارچه به یکدیگر متصل کند. این سامانه‌ها شامل سامانه‌های بیمارستانی، نسخه‌نویسی و نسخه‌پیچی سرپایی، نرم‌افزارهای سطح اول خدمات بهداشتی، سامانه

پایش و ممیزی اسناد سلامت و سامانه‌های خودمراقبتی بودند.

اطلاعات تولید شده باید در پایگاه ملی سلامت ذخیره‌سازی می‌شد و با رعایت قانون مدیریت داده‌ها، در اختیار افراد مجاز قرار می‌گرفت. با این حال، گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد که این اتصال یکپارچه هنوز محقق نشده است. سامانه‌ها همچنان به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند، مرکز آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت نتوانسته مدیریت جمعیت داده‌ها را عملی کند، امضای الکترونیکی در بسیاری از مراکز درمانی مستقر نشده و پایگاه ملی سلامت، آن گونه که در قانون تعریف شده، شکل نگرفته است.

معضلات ناشی از فراهم سازی این زیرساخت‌ها بر ارائه خدمات نیز تأثیر گذاشته است؟

بله، این وضعیت موجب شده پزشکان کماکان به اطلاعات جامع بیماران دسترسی نداشته باشند، دوباره کاری در تجویز و درمان افزایش یابد، هزینه‌ها برای بیماران و بیمه‌ها بالا برود و کیفیت خدمات درمانی مطلوب نباشد.

وزارت بهداشت چه قدر توانسته به اهداف موردنظر برای اجرای واقعی سلامت الکترونیک نزدیک شود؟

عملکرد مرکز آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت، به ویژه در سطح راهبردی، نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت فعلی داشته است. شواهد موجود از گزارش‌های رسمی و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های اجرایی این مرکز، به جای تمرکز بر تحقق معماری یکپارچه سلامت الکترونیک، به سمت پروژه‌هایی رفته که هم راستا با نقشه راه قانونی نبوده‌اند. عدم شکل‌گیری پایگاه ملی سلامت، فقدان اتصال سامانه‌ها و نبود امضای الکترونیکی در مراکز درمانی، همگی نشانه‌هایی از این فاصله‌گیری از اهداف مصوب هستند. انتظار می‌رفت مدیریت این مرکز با رویکردی مشارکتی، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی و مشورت با ذی‌نفعان، مسیر اجرای سلامت دیجیتال را به‌صورت شفاف و هدفمند هدایت کند اما آنچه در عمل مشاهده شده، پراکندگی در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای پروژه‌های موازی و نبود پاسخگویی دقیق نسبت به تعهدات قانونی بوده است. این وضعیت، نه تنها اعتماد عمومی را کاهش داده،

بلکه موجب سردرگمی شرکت‌های فناوری و افزایش هزینه‌های درمانی شده است.

وزارت بهداشت همچنین موظف بود ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن قانون، سند نقشه راه سلامت الکترونیک کشور را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند. هدف این سند، استقرار نظام معماری یکپارچه سلامت الکترونیک بود. اگرچه آیین‌نامه‌هایی در این زمینه منتشر شده‌اند، اما به نظر می‌رسد سند جامع و عملیاتی نقشه راه، با مشارکت همه ذی‌نفعان و با ضمانت اجرایی کافی، هنوز تدوین نشده یا به مرحله اجرا نرسیده است. نبود مسیر مشخص برای توسعه سلامت دیجیتال، اجرای پراکنده و غیرهم‌راستا توسط نهادهای مختلف و کاهش اعتماد شرکت‌های فناوری به همکاری با وزارت بهداشت از جمله پیامدهای این خلأ هستند.

از دیگر تکالیف وزارت بهداشت در ماده ۶۹، تدوین مقررات لازم برای ارائه خدمات یکپارچه سلامت الکترونیکی مبتنی بر نظام تنظیم‌گری (رگولاتوری) و کاروری (اپراتوری) بود. این مقررات باید ظرف ۶ ماه اول اجرای برنامه تهیه، تصویب و ابلاغ می‌شدند. همچنین وزارت بهداشت موظف بود از ابتدای سال دوم برنامه، از طریق فراخوان و ارزیابی، به شرکت‌های دارای صلاحیت، مجوز اپراتوری سلامت الکترونیکی اعطا کند.

در حال حاضر برخی نرم‌افزارهای سلامت در حال ارائه برخی خدمات بر بستر الکترونیک هستند، آیا در این حوزه سامانه‌دهی مناسبی از سوی وزارت بهداشت صورت گرفته است؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که فراخوان رسمی برای انتخاب اپراتورها انجام نشده و شرکت‌هایی که در این حوزه فعال شده‌اند، بدون رقابت سالم و شفاف انتخاب شده‌اند. برخی گزارش‌ها از ترک تشریفات در مناقصه‌ها حکایت دارند. نرم‌افزارهای سلامت به جای تعامل با اپراتورها، مستقیماً با حاکمیت در تماس هستند. نبود نظام تنظیم‌گری باعث بی‌نظمی در حوزه سلامت دیجیتال شده، شرکت‌های فاقد صلاحیت وارد چرخه خدمات شده‌اند، مردم در چرخه ارجاع دچار سردرگمی شده‌اند و هزینه‌های درمان به‌طور سرسام‌آور افزایش یافته‌اند.

در شرایط فعلی که زیرساخت‌های سلامت الکترونیک به خوبی فراهم نشده چه قدر با اجرای پزشک خانواده فاصله داریم؟

اجرای پزشک خانواده، یکی از اهداف کلیدی نظام سلامت است. این نظام مبتنی بر ارجاع، پرونده الکترونیک سلامت و تعامل سطح اول با سطوح تخصصی است اما بدون زیرساخت‌های تنظیم‌گری و کاروری، این نظام قابل اجرا نیست. در حال حاضر، پزشک خانواده در بسیاری از مناطق کشور به صورت ناقص یا غیرمؤثر اجرا می‌شود. نبود پرونده الکترونیک، عدم اتصال سامانه‌ها و نبود اپراتورهای سلامت باعث شده این طرح نتواند به اهداف خود برسد. مردم در مسیر ارجاع بین سطح اول، دوم و سوم خدمات درمانی دچار سردرگمی شده‌اند. بیمه‌ها نیز به دلیل نبود استحقاق سنجی دقیق، با چالش‌های مالی مواجه‌اند. وقتی وعده‌های قانونی اجرا نمی‌شوند، اعتماد عمومی به تحول دیجیتال در سلامت کاهش می‌یابد. پزشکان، بیماران و شرکت‌های فناوری همگی دچار تردید در مشارکت می‌شوند.

اگر ماده ۶۹ اجرا می‌شد، پزشک خانواده به صورت واقعی و مؤثرتر قابلیت اجرایی داشت، ارجاع بیماران به سطوح تخصصی با دقت و سرعت انجام می‌گرفت، داده‌های سلامت به صورت امن و متمرکز ذخیره می‌شدند، بیمه‌ها خدمات را بر اساس داده‌های واقعی و به‌روز ارائه می‌دادند، شرکت‌های فناوری در فضای رقابتی سالم، خدمات نوآورانه ارائه می‌کردند، رضایتمندی بیماران افزایش می‌یافت و هزینه‌ها کاهش می‌یافت.

در این شرایط، انتظار می‌رود وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قائم مقام ایشان در صورت صلاحدید، شخصاً و به صورت فوری، در این موضوع ورود کنند. سلامت دیجیتال نه تنها یک پروژه فناورانه بلکه یک مسئولیت ملی است. ورود مستقیم وزیر محترم با نگاه سلامت محور، می‌تواند مسیر اجرای قانون را به ریل اصلی بازگرداند، لایه‌گری‌ها را کنترل و اعتماد عمومی را احیا کند.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مستقل با حضور نمایندگان جامعه پزشکی، متخصصان فناوری اطلاعات در سراسر کشور و نهادهای نظارتی برای پیش‌برد اجرای ماده ۶۹ تشکیل شود. همچنین لازم است گزارش‌های شفاف و دوره‌ای از وضعیت پیشرفت پروژه‌ها منتشر شود تا مردم و ذی‌نفعان در جریان امور قرار گیرند.

۱/۱/۱ آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۲۲۷۲/۰۵۰۶۰۳۰۴۶۰۱۴ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین فهیمی فر فرزند محمداسماعیل در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۲/۶۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۸۵ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای علی اکبر امیرآبادی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه محلی دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۷۲۶) تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

مجتبی لطفی پور رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

۱/۱/۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۷۶۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد تقدیمی جمالی فرزند غلامرضا بشماره شناسنامه ۹۹۰

صاذه از مشهد نسبت به ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۸۱/۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۰۳ فرعی از ۷۸- اصلی واقع در اراضی فرح آباد خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت علی اکبر عبدالمی شادمهری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ م.الف ۷۳۷۱

امید خیر خواه رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

۱/۱/۴ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۲۰۰۷۷۲۳/۰۵۰۶۰۳۰۴۶۰۱۴ هیات اول کلاسه ۸۷-۱۴۰۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احسان عاقل به شناسنامه شماره ۱۹۹۷۲/۰۵۰۶۰۳۰۴۶۰۱۴ صادره کاشمر فرزند مصطفی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۴۲۸/۳۰ متر مربع، پلاک ثبتی ۷۸ اصلی واقع در بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی غلامحسین نادری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی

به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ م.الف ۱۱۳۸

احمد جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱/۱/۵ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۲۰۰۸۳۶۰/۰۵۰۶۰۳۰۴۶۰۱۴ هیات اول کلاسه ۱۴۰۴-۷۸۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اقدس نجاتی فروتقه به شناسنامه شماره ۱۸ کد ملی ۰۹۰۲۰۷۶۳۵۳ فرزند محمد حسین در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۹۷/۸۰ متر مربع، پلاک ثبتی ۲۷۳ فرعی از ۶۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی محمد حسین نجاتی فروتقه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ م.الف ۵۱۱

احمد جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

